

## ● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

# شهادت دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از

## دیدگاه حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی

شناخته شده‌ی بین‌المللی برخوردار است؟ یا این که ماهیتاً یک گروه متخاصم درگیر در جنگ است؟

سؤال دوم در مورد ماهیت جنگ افغانستان بین طالبان و جبهه‌ی مجاهدین است. آیا این جنگ، جنگی داخلی است یا ماهیتاً جنگی بین‌المللی محسوب می‌شود؟

پاسخ به سؤالات فوق از آن جهت اهمیت دارد که براساس تغییر در نوع و ماهیت حقوقی موارد فوق و براساس نوع جنگ موجود در افغانستان حقوق و تکالیف گروه‌های درگیر در جنگ از دیدگاه حقوق بین‌الملل متفاوت خواهد بود لذا در اینجا به بررسی موارد فوق می‌پردازیم:

هدف نوشتار حاضر آن است که شهادت دیپلمات‌های ایرانی در محل سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شهر مزار شریف افغانستان در تاریخ ۱۷ مرداد ماه ۱۳۷۷ توسط نیروهای طالبان را درچارچوب حقوق بین‌الملل و قواعد و مقررات اسلامی با اختصار بررسی نماید.

### ۱. بررسی اقدام طالبان در چارچوب حقوق بین‌الملل

در بررسی این اقدام در چارچوب حقوق بین‌الملل دو سؤال اصلی مطرح می‌گردد: نخست آن که ماهیت حقوقی طالبان چیست؟ آیا همان گونه که طالبان ادعا دارد از ویژگی‌های یک حکومت یا دولت به معنای

## الف) ماهیت حقوقی طالبان

همان گونه که در ماده‌ی یک کنوانسیون ۱۹۳۳ مونتو ویدنو در خصوص حقوق و تکالیف دولت‌ها تصریح شده است، در حقوق بین‌الملل هر دولتی با ۴ مشخصه‌ی سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت مشخص می‌شود. فقدان یکی از عناصر فوق در هر موجودیتی به صورت عدم شناسایی توسط سایر دولت‌ها جلوه‌گر می‌شود. علاوه بر موارد فوق امروزه عامل دیگری نیز در شناسایی کشورها توسط جامعه‌ی جهانی از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است و آن تبعیت از هنجارهای شناخته شده‌ی بین‌المللی توسط دولت تازه تأسیس می‌باشد. مشروعیت داخلی دولت تازه تأسیس چه از نظر شیوه‌ی کسب قدرت و چه رهبریت آن عامل دیگری است که امروزه در شناسایی دولت‌ها توسط جامعه‌ی جهانی مدنظر قرار می‌گیرند. تمام موارد فوق نشانگر تأکید جامعه‌ی جهانی بر حاکمیت حق تعیین سرنوشت و مشارکت اراده‌ی همگانی در ایجاد دولت جدید است.

با در نظر گرفتن تعاریف و شرایط فوق برای شناسایی دولت‌ها، طالبان چه از منظر حقوق بین‌الملل عرفی و چه حقوق بین‌الملل معاصر یک دولت محسوب نمی‌شود. عملکرد

جامعه‌ی جهانی در عدم شناسایی این گروه دلیل این ادعاست.

از منظر حقوق بین‌الملل عرفی طالبان به دلیل فقدان حاکمیت مؤثر بر سرزمین افغانستان به هنگام قتل دیپلمات‌های جمهوری اسلامی ایران ویژگی‌های مورد نظر برای شناسایی را نداشته است. از منظر حقوق بین‌الملل معاصر نیز طالبان به دلیل عدم مشروعیت قدرت اکتسابی و نقض شدید حقوق بشر هرگز به عنوان یک دولت از طرف جامعه‌ی جهانی شناسایی نشده است.

اقدام کمیته‌ی اعتبارنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در عدم واگذاری کرسی افغانستان در آن سازمان به نمایندگان گروه طالبان و مخاطب قرار گرفتن گروه طالبان در کنار دیگر گروه‌های درگیر در افغانستان در بیانیه‌ها و اظهارات ارکان و مقام‌های سازمان ملل متحد نیز تجلی این واقعیت است که این گروه به عنوان یک دولت از سوی جامعه‌ی جهانی مورد پذیرش قرار نگرفته است.

با توجه به این موارد و با استناد به کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو و بند یک ماده‌ی یک پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ ژنو که شرایط خاصی چون وجود فرماندهی

طالبان به عنوان یک گروه متخاصم درگیر در یک جنگ غیربین‌المللی به هنگام انجام عملیات نظامی خود در آن کشور به ویژه عملیات آن گروه برای تصرف مزار شریف، تکالیفی تحت حقوق بین‌الملل داشته است؟

ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹

ژنو و پروتکل ۱۹۹۷ الحاقی به این کنوانسیون‌ها دقیقاً بیانگر قواعد گروه‌های متخاصم درگیر در یک جنگ غیربین‌المللی است. براین اساس اقداماتی نظیر گروگان‌گیری، حمله به غیرنظامیان، ترور، قتل، شکنجه و نظایر آن ممنوع است و در ردیف جنایات جنگی قرار می‌گیرد و افرادی که مرتکب این گونه اعمال شوند مسؤولیت جنایی آنان ثابت و قابل پی‌گیری و مجازات خواهند بود و دفاعیه مبنی بر متابعت از اوامر مافوق نیز مردود شمرده می‌شود. هم‌چنین حمله به مراکز فرهنگی - تاریخی و اماکن مذهبی، بیمارستان‌ها و کلیه مراکز غیرنظامی که دارای علائم شخصی و قابل رویت باشند، ممنوع است.

براساس قواعد فوق طالبان موظف

بوده‌اند که از وارد آوردن صدمات جانی و روانی به دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی، به عنوان افراد غیرنظامی امتناع نموده و از اسارت و قتل آنان خودداری نمایند. از سوی دیگر گروه‌های درگیر

مشخص، علائم مشخص شناسایی، حمل اسلحه و رعایت قواعد جنگی را برای گروه‌های متخاصم در نظر می‌گیرد، می‌توان طالبان را در ردیف چنین گروه‌هایی قرار داد.

### ب) ماهیت حقوقی جنگ افغانستان

به دلیل تکالیف نسبتاً متفاوتی که طرفین متخاصمه در جنگ‌های بین‌المللی و غیربین‌المللی دارند، در حقوق بین‌الملل، جنگ‌ها را به دو نوع بین‌المللی و غیربین‌المللی تقسیم می‌نماید. با استناد به قواعد مربوط به حقوق جنگ به ویژه آنچه در پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ آمده‌است، جنگ در افغانستان ماهیتی داخلی دارد. پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو جنگ داخلی را این گونه تعریف کرده‌است:

«درگیری در قلمرو یک دولت بین

گروه‌های مسلح سازمان یافته که تحت فرماندهی مسؤول خود بر بخشی از سرزمین آن کشور تسلط موثر داشته و قادر به انجام عملیات مستمر و منسجم باشند.»

بررسی تکالیف گروه طالبان به هنگام عملیات تصرف مزار شریف

سؤال اساسی در اینجا آن است که گروه

در جنگ داخلی موظف بوده‌اند که حقوق بیگانگانی را که در سرزمین‌های تحت کنترل آنها بوده‌اند، محترم شمرده و این حقوق را تضمین نمایند. براین اساس واضح است که طالبان به تکالیف و تعهدات خود درباره‌ی سرکنسولگری در جمهوری اسلامی ایران و کارکنان آن عمل ننموده‌است.

اضافه می‌شود قواعد مندرج در کنوانسیون‌های ژنو که از آنها به حقوق بشر دوستانه‌ی بین‌المللی یاد می‌شود و متضمن حداقل رفتارهای انسانی و مبتنی بر انصاف و وجدان بشری به هنگام مخاصمات مسلحانه می‌باشد و برخلاف سایر قواعد حقوق بین‌الملل که مبتنی بر رضایت دولت‌هاست بر فطرت انسانی استوار می‌باشد و صرف‌نظر از وجود چنین قواعدی در حقوق بین‌الملل و آگاهی یا عدم آگاهی از آن قواعد، همه‌ی انسان‌ها براساس فطرت و وجدان انسانی متعهد به اجرای آنها هستند و به دلیل عرفی شدن این قواعد، برای تمام افراد بشر لازم‌الاتباع می‌باشند.

شورای امنیت نیز به عنوان یک مرجع صلاحیتدار بین‌المللی در بند ۱۲ قطعنامه‌ی ۱۱۹۳ که در مورد دستگیری دیپلمات‌های ایرانی در افغانستان، صادر می‌نماید همه گروه‌های درگیر در جنگ افغانستان را موظف به

اجرای تکالیف خود تحت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو دانسته است و بر مسؤلیت عاملین نقض کنوانسیون‌های مذکور تأکید دارد.

در ضمن عمل گروه طالبان به استناد مندرجات ماده‌ی ۶ منشور دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ مورد تأیید کمیسیون حقوق بین‌الملل و مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز قرار گرفته است یک جنایت جنگی محسوب می‌شود و مطابق حقوق جزایی بین‌المللی مرتکبین به آن دارای مسؤلیت کیفری خواهند بود. براین اساس عواملان کشتار دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف به طور فردی مسؤل بوده و مجرم می‌باشند. این مهم در بند ۱۲ قطعنامه‌ی ۱۱۹۳ شورای امنیت نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

لذا باید به دنبال راهکاری عملی و مناسب برای تحقق این مسؤلیت بود.

در گام نخستین با توجه به ماهیت جرم، هر دولتی که افراد مجرم در قلمرو آن یافت شوند صلاحیت دارد که آن افراد را دستگیر و محاکمه و مجازات نماید یا این که پس از دستگیری آنان را برای محاکمه و مجازات به دولت ایران که از اقدام افراد مذکور متضرر

نقض یک تعهد الزام‌آور بین‌المللی مطرح می‌گردد که اولین اثر آن الزام دولت به جبران خسارت خواهد بود.

لذا چنانچه روزی طالبان به عنوان یک دولت از سوی جامعه‌ی جهانی شناسایی شود می‌توان مسئولیت طالبان را در پرتو نقض کنوانسیون‌های ۶۱ و ۶۳ وین در مورد مصونیت اماکن و مأمورین دیپلماتیک و کنسولی، ثابت کرد و حتی چنانچه طالبان عضو معاهدات فوق بوده و پروتکل‌های پذیرش اختیاری صلاحیت اجباری دیوان را پذیرفته باشد، موضوع قابل طرح در دیوان دادگستری بین‌المللی خواهد بود.

## ۲. بررسی اقدام طالبان از دیدگاه حقوق اسلامی

با توجه به این موضوع که رهبران طالبان ۳ روز قبل از حمله به مزار شریف و براساس رویه‌های قبلی در تهاجم به شهرهای جلال‌آباد و کابل و هرات امنیت مراکز دیپلماتیک و کنسولی را از طریق سفارت پاکستان تعهد نموده و حفظ امنیت کارکنان این مراکز را به اطلاع مقام‌های رسمی ایران رسانیده بودند، به بررسی این اقدام از دیدگاه حقوق اسلامی می‌پردازیم:

شده‌است، مسترد نماید چرا که تعهد نقض شده از نوع تعهدات در مقابل کلیه‌ی کشورها به شمار می‌رود.

الزام و صلاحیت دولت‌ها به محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی از این واقعت نشأت می‌گیرد که در هیچ کشور یا منطقه‌ی از کره‌ی زمین مرتکبین جنایت نتوانند از مجازات اعمال خویش فرار نمایند. هم‌چنین ایران به دلیل دارا بودن صلاحیت سرزمینی به طریقی اولی‌تر قادر است در صورت شناسایی مجرمان این حادثه آنان را در ایران دستگیر، محاکمه و مجازات نماید.

البته اگر دیوان کیفری بین‌المللی که اساسنامه‌ی آن در کنفرانس رم ۱۹۹۸ مورد تأیید بیش از ۱۲۰ کشور واقع شد (البته هنوز لازم‌الاجرا نشده‌است)، تأسیس شده بود این دیوان نیز قطعاً با توجه به ماهیت جرم انجام یافته، صلاحیت رسیدگی به این جرم را بر عهده می‌گرفت.

از سوی دیگر براساس قواعد حقوق بین‌الملل چنانچه گروه متخاصم در داخل یک کشور بتواند با تسلطی کامل و مؤثر حکومت را در دست بگیرد، مسؤول اقدام‌های قبلی خود خواهد بود و در این صورت در کنار مسئولیت فردی، مسأله‌ی مسئولیت دولت نیز به علت

## الف) لزوم وفای به عهد و پرهیز از دروغ و نیرنگ

براساس آیات قرآن کریم به عنوان منبع اساسی معرفت اسلامی و سنت به عنوان یکی از منابع حقوق اسلامی، وفای به عهد از نشانه‌های مؤمنین و رعایت آن شرط ایمان است و عدم توجه به آن نیز موجب مسؤولیت اخروی است. در این خصوص طالبان برخلاف تعهد قبلی به دولت ایران مبنی بر عدم تعرض به سرکنسولگری و دیپلمات‌های ایرانی به تکالیف خود تحت حقوق اسلامی و قعی ننهاد و از سوی دیگر رفتاری مبتنی بر صداقت و راستگویی و پرهیز از دروغ و نیرنگ که از اصلی‌ترین توصیه‌های اخلاقی و اصول لازم الرعایه حقوق اسلامی است، در پیش نگرفته است.

پیامبر اکرم(ص) در زمان حیات خویش همواره فرستادگان خارجی را مورد احترام و اصل مصونیت آنان از هرگونه تعرض را در رفتار خویش مورد توجه قرار داده و به اصحاب خویش توصیه نموده‌اند. نمونه‌های فراوانی در تاریخ اسلامی وجود دارد که نشانگر رعایت مصونیت فرستادگان خارجی در اسلام می‌باشد. هم‌چنین گروگانگیری و بازداشت غیرقانونی افراد در دین اسلام امری مذموم است و کلیه‌ی کشورهای مسلمان در ماده‌ی ۲۰ اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی نیز براین امر تصریح نموده‌اند.

## ج) احترام به حق حیات افراد و ممنوعیت قتل فردی و کشتار جمعی و کشتار غیرنظامیان در جنگ

قرآن کریم از حق حیات به عنوان نخستین و اساسی‌ترین حق انسان یاد می‌نماید و هیچ کس مجاز به سلب این حق نمی‌باشد و این عمل با نابودی کلیه‌ی ابنای بشریت یکسان بر شمرده شده‌است. براین اساس در حقوق اسلامی حفظ حیات از واجبات مسلم بوده و وارد آوردن هرگونه آسیبی به آن مستوجب کیفر خواهد بود. ارتکاب عمل قتل علاوه بر این که گناه کبیره می‌باشد، موجب مسؤولیت کیفری

ب) اصل رعایت مصونیت فرستادگان خارجی از منافع حقوق اسلامی است. به عنوان یکی از منابع حقوق اسلامی مبین و مؤید اصل مصونیت فرستادگان خارجی و وجوب حفظ امنیت آنهاست، صرف‌نظر از این که آنها متعلق به یک جامعه مسلمان یا غیرمسلمان و متخاصم باشند و بدون توجه به موضوع شناسایی موسوم در حقوق بین‌الملل عمومی معاصر.

بازداشت آنان در جهت سپردن آنان به محکمه‌ی عدالت بوده‌است در حالی که طالبان با عدم توجه به این اصل اسلامی نه تنها به تکالیف خود در این باره عمل ننموده‌اند بلکه با پناه‌دادن به قاتلان کشتار دیپلمات‌های جمهوری اسلامی ایران، اقدامی حرام و ممنوع انجام داده و یکی از قواعد مسلم حقوق اسلامی را نقض نموده‌اند.

کوتاه سخن این که به استناد قواعد حقوق بین‌الملل و قواعد حقوق اسلامی، شواهد و اسناد مختلف در اثبات مسؤلیت گروه طالبان می‌توان ارایه داد. چیزی که جامعه‌ی جهانی نیز آن را پذیرفته و در اجرای عدالت تأکید ورزیده است. به امید اجرای عدالت واقعی برای قاتلان و مجرمین این رویداد وحشیانه.

مرکز مطالعات حقوقی و بین‌المللی

فرد نیز خواهد بود. این موضوع در بند ب ماده‌ی ۲ اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی نیز انعکاس دارد.

به طوری که کشتار ابنای بشر به صورت کلی یا جزئی ممنوع شده‌است. علاوه بر موارد فوق حفظ حق حیات و پرهیز از قتل افراد غیرنظامی و ناتوان به هنگام مخاصمات مسلحانه در قرآن و سنت مورد تأکید قرار گرفته است. تمام اصول فوق که برگرفته از حقوق اسلامی است توسط گروه طالبان نقض شده‌است.

د) وجوب شناسایی و محاکمه و مجازات قاتلان اگر ادعای رهبران طالبان مبنی بر خودسرانه بودن اقدام طالبان را بپذیریم (البته شواهد جدی وجود دارد که این ادعا را رد می‌کند) در این صورت تحت حقوق اسلامی اولین وظیفه‌ی رهبران طالبان شناسایی قاتلان و



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی